



هر هفته به شهر می آییم
تا دغدغه های فرهنگی
اجتماعی و اقتصادی تان را
بشنویم و منعکس کنیم



حرف مردم

Sun, Sep. 22, 2019

No. 4231

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان رضوی

یکشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، شماره ۴۲۳۱

مردم معتقدند جای شادی، آموزش مهارت های زندگی، سواد رسانه، ورزش و فعالیت های هنری در پایه دبستان خالی است

آنچه از دبستانی ها دریغ می شود



در حسرت یک نفس راحت

آقای شصت و چند ساله ای که خودش الان بچه دبستانی ندارد اما الان نوه هایش دبستانی اند، می گوید: «آن قدر که در روزنامه و مجلات می خوانم، ظاهر، بهترین زمان آموزش و یادگیری، از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر هر روز است. اما دبستان های ما از چه ساعتی شروع به کار می کنند؟ معمولاً ۷.۳۰. این یعنی اگر مسیر خانه تا مدرسه طولانی باشد، بچه طفلکی باید عصر از خواب بیدار شود و خواب آلود و بی تمرکز و گرسنه، سر کلاس درس بنشیند. ضمن این که برخی مدارس هنوز دوشیفته اند و بچه باید بعد از ناهار، در حالی که چرت می زند، ریاضی و علوم و فارسی یاد بگیرد. از این گذشته، بحث خط مشق شب است. همه ما سال ها روی دفتر و کتاب خم شدیم و بر گه های سفیدر اماشین وار سیاه کردیم و کابوس مشق دیدیم و به خاطر چند خط جا افتاده تنبیه شدیم تا پارسال که اعلام شد قرار است مهارت آموزی جایگزین مشق شب شود، از این که نسل جدید مجبور به تکرار چنان تجربه ای نیست، خوشحال شدیم ولی متأسفانه این اتفاق به شکل جامع و گسترده نیفتاد و همچنان بچه ها باید ساعت ها تکالیف سنگین انجام دهند و دفتر مشق را یا خودشان همه جا بکشند و حتی در تعطیلات نوروز، مشق بنویسند. چرا باید تنها خاطره ما از دوران دبستان، تکالیف زیاد و انگشتان تاول زده باشد؟ چرا نباید دبستانی هایک نفس راحت بکشند؟»



نبود آموزش مهارت های زندگی

خانم «صفوی» هم که از معلم های بسیار خوشنام یکی از نواحی آموزش و پرورش و محبوب بین بچه ها و خانواده هاست، در پاسخ به سوال ما، آهی می کشد و در ددل می کند: «متأسفانه در سال های اخیر، آن قدر سر فصل های آموزشی زیاد و محتوای آموزشی سخت و دشوار شده که روز های دبستانی ها، فقط با یادگیری های سطحی و حفظیات می گذرد و دریغ از فرصت مناسبی برای فهم عمیق و تثبیت آموخته ها. درس ها، به شکل غیر منطقی، آن قدر سخت شده که اطلاع داریم برخی مدارس از مراد ماه، به برگزاری کلاس های آموزشی اقدام کرده اند و پدر و مادر های بچه ها با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد هم از عهده کار و تمرین با بچه در خانه، بر نمی آیند. همه این ها در زمان محدود، منجر به آموزش نامحدود، حتی سر زنگ ورزش و هنر و انشا می شود و نتیجه، بار آمدن دانش آموزان تک بعدی است که هیچ مهارتی از جمله مهارت های بدنی مثل باغبانی و آشپزی، مهارت های ارتباطی و اجتماعی و مهارت خوب دیدن و خوب شنیدن و خوب بیان کردن را ندارند.»



تشنه هنر، ورزش و فعالیت های گروهی و گردش در طبیعت

«هلیا حیدری» ۱۲ ساله، امسال دانش آموز کلاس ششم ابتدایی خواهد بود و در پاسخ به سوال ما که: جای چه چیزهایی را در محتوای آموزشی مدرسه تان، در تمام پنج سال اخیر خالی می دیدی، می گوید: «جای هنر مثل نقاشی، طراحی، دوخت و دوخت. جای فعالیت های دسته جمعی و شاد مثل تجربه آشپزی، آزمایش های مفرح علمی، گردش در طبیعت و لمس برگ و حشره و جانوران. جای ورزش های جدی و نوشتن از تجربه های مان در قالب انشا. همه این ها هم به دلیل بها دادن بیش از حد به دروسی مثل ریاضی و علوم و محور قرار گرفتن این درس ها با توجه به حجم سنگین کتاب هاست. جوری شده که پدر و مادر های مان هم، تحت تاثیر این سیستم، دیگر اعتراضی ندارند. دیگر ورزش و هنر و انشا را حق ما نمی دانند و اگر نمره ریاضی و علوم مان کم شود، تنبیه مان می کنند اما به نمره بالایی ورزش و هنر بی تفاوتند. ما تشنه شادی و فعالیت های گروهی هستیم و از مدیران می خواهیم کلاس های ما را شادتر و جذاب تر و هیجان انگیز تر برگزار کنند.»



جهت دهی به علاقه و استعداد بچه ها و اتفاق نمی افتد

یک کشاورز ۷۵ ساله در پاسخ به سوال ما، با حسرت و افسوس می گوید: «امام (ره) می گفت: امید من به شما دبستانی هاست. یعنی چی؟ یعنی رشد و پیشرفت مملکت در هر زمینه ای، به دست نسل بعد، همین بچه هایی که الان دبستانی هستند امکان پذیر است. لازمه این اتفاق چیست؟ لازمه اش به رسمیت شناختن علایق و استعداد بچه ها و جهت دهی به توانایی های شان است. یکی به کشاورزی علاقه دارد، یکی به باغبانی، یکی به آشپزی، یکی به دامداری و دیگری به خطاطی و مهم است همه این ها، سواد و شعور و آگاهی لازم در زمینه مورد علاقه شان را داشته باشند. به نظر من مهم است آموزش و پرورش با تلف نکردن وقت بچه ها، از همان سال های ابتدایی، دوره های تخصصی برگزار کند و کودک دبستانی به جای یادگیری مباحث تکراری و غیر کاربردی، کار و مهارتی یاد بگیرد که در آینده به دردتان می خورد.»



جای خالی شادی و هیجان سالم

خانم «قناد» معلم باتجربه و سابقه دار کلاس اول دبستان که بیش از بیست و چند سال است به آموزش و پرورش کود کان دبستانی مشغول است، به سوال «در شهر» پاسخ قابل تأمل و تکان دهنده ای می دهد: «واقعیت این است که بچه های دبستانی، چه در مدارس دولتی و چه در مدارس غیرانتفاعی، خوشحال و شاد نیستند. از مدرسه فراری اند. چرا؟ چون محیط دبستان ها، دوست داشتنی نیست. مهم ترین دلیلش هم، سنگین بودن مواد آموزشی است. یعنی چه؟ یعنی چند سالی است محتوای کتاب های درسی عوض شده و مقدار و محتوا، بسیار سنگین و عمیق، نامتناسب با سن و سال و فهم و درک و حوصله بچه ها تدوین شده است. مباحث بسیار فراتر از گنجایش فکری بچه هاست و این را فقط امثال من که سال هاست از نزدیک با بچه ها در ارتباطم متوجه می شوم، نه مولفان این کتاب ها که گاهی مدرک دکتر هم دارند. نتیجه چه می شود؟ نتیجه این است که بچه نیازمند شادی و نشاط و بازی، تحت فشار، مداوم برای یادگیری و حفظ کردن دست و پا می زند و مثل یک فتر فشرده، در یک جشن و دورهمی، بایک ترانه مبتذل -همان طور که دیدیم- منفجر می شود و همه را انگشت به دهان می گذارد.»

گزارش: خدیجه علی نیا
عکس: خراسان

اگر والدین یک کودک دبستانی هستند یا کودکی مشغول تحصیل در پایه ابتدایی در جمع دوستان و آشنایان و فامیل دارید، احتمالاً به برخی از کم و کاستی های فضای آموزشی مدارس در این دوره تحصیلی که اتفاقاً بخش مهمی از شخصیت ما در آن شکل می گیرد، واقفید و چه بسا گلايه مندید. پرونده امروز «در شهر» به مناسبت از راه رسیدن ماه مهر، ماه بازگشایی مدارس، به پرسش یک سوال مهم از شهروندان (والدین، کودکان و معلمان) می پردازد: **«بر اساس تجربه و مشاهدات، جای چه چیزهای ضروری را در محتوای آموزشی پایه ابتدایی، خالی می بینید؟ چه خدمات و امکانات و توجهانی از سوی مسئولان و کارکنان حوزه آموزش و پرورش، از کودکان دبستانی دریغ شده که می تواند بر حال و آینده فرد، موثر باشد و نبودش نوبی ذوق می زند؟»** پاسخ شهروندان و توضیحات مدیرکل آموزش و پرورش استان را می خوانیم.



نه حیاط بزرگ و آزمایشگاه داریم و نه حتی یک کره زمین

«نگار» ۱۱ ساله هم می گوید: «جای یک حیاط بزرگ و دل باز در تمام سال های ابتدایی، در دبستانم خالی بوده.» «البرز» ۱۲ ساله گله می کند: «وسایل ورزشی به اندازه کافی نداریم. زمین بازی نداریم و زنگ ورزش، یک عده بچه به دنبال یک توپ می دویم، در حالی که دلمان شنا و ژیمناستیک و تنیس می خواهد.» خانم «مهر بان» معلم کلاس اول ابتدایی هم گلایه می کند: «جای امکانات اولیه مثل یک کره زمین، در تعداد زیادی از دبستان ها، حتی مدارس غیرانتفاعی خالی است؛ جای آزمایشگاه و تجهیزاتی که به بچه ها فرصت تجربه دهد. یکی از درس های بچه های پایه اول، کاشتن لوبیاست و من هر سال، به جای این که بچه ها را به باغ و باغچه ببرم و دست های شان با خاک و بذر و آب آشنا شود، مجبورم یک روز نامه وسط کلاس پهن کنم و خودم یک لوبیا در یک لیوان بکارم و بچه ها فقط تماشا کنند. این چه وضعی است؟»

خلأ خلاقیت و کارآفرینی

خانم «نجم آبادی» معتقد است: «باید ارزش گذاری بر توانایی بچه، بر اساس دانسته های درسی حذف شود.» «باقری» که یک کارشناس حوزه کارآفرینی است هم می گوید: «یک آدم خلاق و خوش ذوق و مستقل، معمولاً در جست و جوی موقعیت هایی است که زمینه ساز تولد و پرورش ایده های نو است. از ساختار شکنی و برهم زدن عادات روزمره ترسی ندارد و با جسارت به سراغ تجربه های تازه می رود و اصولاً در بن بست ها، شکوفا می شود. این ها همان هایی هستند که بیزار از کسالت تقلید و تکرار، به سراغ کارآفرینی یا ایجاد یک کسب و کار کمتر استفاده شده می روند و با عشق، به پرورش جزء به جزء ایده های شان می پردازند، اما این روحیه از کجا می آید؟ این روحیه می تواند حاصل یک نظام آموزشی سالم، به ویژه در سال هایی که شخصیت و تفکر و جهان بینی آدم ها در حال شکل گرفتن است، باشد. چیزی که جایش در پایه ابتدایی ما خالی است. متأسفانه در مدارس ما نه تنها توجهی به خلاقیت بچه ها نمی شود، بلکه با آموزش و برخورد های تکراری با همه بچه ها و همه مسائل در همه موقعیت ها، می توان گفت این موضوع در حاشیه قرار گرفته است.»



چرا خبری از آموزش سواد رسانه نیست؟

«ایران نژاد» ۴۸ ساله در گفت و گویا «در شهر» می گوید: «راستش جای خیلی چیزها در محتوای آموزشی پایه ابتدایی خالی است. یکی از مهم ترین هایش -با توجه به علاقه و گرایش شدید دهه هشتادی ها و نودی ها به حضور در فضای مجازی- سواد رسانه است. به این معنی که به بچه آموزش دهند برای فعالیت در شبکه های اجتماعی از باز دید از وبسایت ها و گشت و گذار در اینترنت، باید چه مهارت هایی داشت و حواس شان به چه نکاتی باشد تا از آسیب دیدن به واسطه تبلیغات یا ارتباطات نامناسب در فضای مجازی، پیشگیری شود و اتفاقاً از این فضا برای رشد و در آمدزایی و آموزش و آگاهی استفاده کنند. فارغ از این، به نظر من باید اصول مدیریت خانواده، نکات بهداشتی، مهارت ارتباط با همسالان و... در فضایی دوستانه، آموزش داده شود.» «سجاد» ۲۲ ساله که چندین سال است ترک تحصیل کرده است می گوید: «ما به مدرسه آمديم، مدرسه به ما نيامد! من از ترک تحصیل پشیمان نیستم اما اگر کمی محبت و همدلی در محیط آموزش بود، به گونه ای که به مدرسه رفتن علاقه مند و دلگرم می کرد، من الان ترک تحصیل نکرده بودم. جای مهر بانی در مدارس ما خالی است.»



در بسیاری از مدارس مربی پرورشی، هنر و مشاور نداریم و با کمبود معلم ورزش روبه روییم

که می گیرد، یک گواهی مهارت هم دریافت کند. با این همه، به واسطه این که بر اساس سند ملی، از اول ابتدایی تا پایان متوسطه، هر دانش آموز باید حدود ۱۲۹۰۰ ساعت آموزش درسی ببیند، نمی توانیم ساعات آموزش را کاهش دهیم. تنها می توانیم امیدوار به اجرای کامل سند تحول بنیادین باشیم تا این شرایط، سامان بگیرد.»

قبال زحماتی که می کشند، قدر نمی بینند و مثلاً حقوق معلمان حق التدریس با تأخیر یک ساله پرداخت می شود. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به همه این دلایل تدوین، تصویب و ابلاغ شد و بخشی هم در حال اجراست؛ محتوای کتب درسی تغییر کرده، ارزشیابی بر اساس نمره حذف شده و هر دانش آموز باید بتواند علاوه بر دیپلمی

به ویژه در سال های اخیر، توجه به مقوله پرورش در مدارس خیلی کم شده. در بسیاری از مدارس، مربی پرورشی نداریم، مشاور و روان شناس نداریم، معلم هنر نداریم و با کمبود معلم ورزش روبه روییم. نبود انگیزه کافی در برخی از همکاران هم یکی دیگر از مواردی است که به این شرایط دامن می زند. همکاران ما بی انگیزه اند، چون در

هفت سالگی تا حدود ۱۳ سالگی، هر روز بعد از چند دقیقه حضور در صف، به کلاس درس می روند و به جز دقایق کوتاه زنگ تفریح، به طور دائم در گیر محتوای آموزشی اند و این خوب نیست. می دانم که اگر بخواهیم دانش آموزان تک بعدی نداشته باشیم، باید در کنار درس، فضا و زمان لازم برای پرورش همه جانبه فراهم کنیم. منتها



قاسمعلی خدابنده
مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی

مدیرکل آموزش و پرورش استان: